

مرمت شهری و ارتقای سیمای شهری (مطالعه موردی: جلفای اصفهان)



چکیده

تصویر ذهنی یا سیمای شهر، کلیه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و ارزش‌ها، کیفیت‌ها، عملکردها و اولویت‌های متفاوت را در ذهن وی ایجاد می‌کند. این ذهنیات تابعی از کلیه اطلاعاتی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت و در ذهن خود انباشته است. محور این نگارش بررسی تاثیر اقدامات انجام شده طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ در ارتقا و بهبود تصویر ذهنی است که در ذهن ناظر از محور تاریخی و فرهنگی جلفا شکل گرفته است. نگارش به صورت مقایسه پایاپای از دیدها و مناظر مشابه شهری طی سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ شمسی از محله جلفا ارائه می‌شود. همان طور که می‌دانیم مرمت شهری تنها در مجموعه عواملی که سعی در حفظ و بهبود وضعیت کالبدی شهر دارند-تعمیر اثر- خلاصه نمی‌شود، بلکه آنچه حائز اهمیت و توجه است به روز نگه داشتن فضای شهری و انطباق آن با رفتار و فعالیت اجتماعی شهروندان در دوران حاضر - معاصر سازی اثر- می‌باشد. آنچه حائز اهمیت است تاثیر این ساماندهی‌ها و مرمت‌ها در محیط به منظور حضور مجدد انسان و تقویت ریشه فعالیت‌های مردمی و اجتماعی در عرصه فضای شهری و محل است. بی‌شک زمانی می‌توان به بقای یک اثر در عرصه شهر امید داشت که آن اثر بتواند به سان گذشته بستر شکل‌گیری و رشد فعالیت‌ها و تعامل اجتماعی مردم جامعه خود در زمان مربوط به خود باشد.

واژگان کلیدی

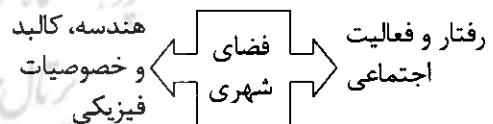
فضای شهری، سیمای شهر، تصویر ذهنی، مرمت شهری، معاصر سازی، کالبد شهر، رفتار اجتماعی، حضور

۱- فضای شهری^۱

اگر بخواهیم فضای شهری را بدون تحمیل معیارهای زیبایی‌شناختی و رفتارشناسی تعریف کنیم، ناگزیر خواهیم بود فضای بین ساختمان‌ها - توده شهر - را فضای شهری قلمداد کنیم. این فضاها از دیدگاه هندسی و کالبدی یا بدنه‌های گوناگون شهری محصور می‌شوند. بنابر این تعریف کیفیت فضای شهری به عنوان یک فضای محصور در ارتباط با کیفیت تعریف بدنه‌های محصور کننده آن سنجیده می‌شود.

از دیدگاه علوم رفتاری تنها بروز ویژگی‌های کالبدی و هندسی فضای شهری نمی‌تواند به ما اجازه دهد تا آگاهانه فضای باز بیرونی را در عرصه شهر یک فضای شهری قلمداد کنیم، بلکه حضور انسان و تعامل اجتماعی که در عرصه عمومی و خصوصی شهر صورت می‌پذیرد نقشی غیر قابل انکار در تداعی معنای فضای شهری در ذهن مخاطب ایفا می‌کند. بدون شک کیفیت بهره‌برداری از فضای عمومی شهر - رفتار اجتماعی - ارتباط مستقیمی با کیفیت شکل‌گیری تصویر ذهنی فرد از شهر و فضای شهری خواهد داشت.

بنابراین تعریف، زمانی می‌توان فضای بین ساختمان‌های شهر را فضای شهری قلمداد کرد که شکل‌گیری و تکامل گونه‌های مختلف و متنوعی از عملکرد و رفتار اجتماعی در آن عرصه در ذهن مخاطب درک شود. به بیان دیگر فضای شهری بستر شکل‌گیری فعالیت و تعامل اجتماعی در عرصه شهر خواهد بود.



۲- سیمای شهر^۲

سیمای شهر، نه به کالبد شهر بلکه به تصویر شکل گرفته از شهر در ذهن مردم - مخاطب - اطلاق می‌گردد. تصویر ذهنی یا سیمای شهر، کلیه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و ارزش‌ها، کیفیت‌ها عملکردها و اولویت‌های متفاوت را در ذهن وی ایجاد می‌کند. این ذهنیات تابعی از کلیه اطلاعاتی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت و در ذهن خود انباشته است.

هنگامی که از رابطه بین انسان و محیط صحبت می‌شود، منظور ادراک محیطی^۳ است که در درجه اول به شناخت محیط توسط مخاطب و بعد به درک آن مربوط می‌شود.

انسان در هر مقطع زمانی تنها بخشی از اطلاعات محیط خود را در ذهن ثبت می‌کند. اما همین اطلاعات محدود تصویری جامع و هرچند نادرست و غیرواقعی از محیط به دست می‌دهد.

به بیان دیگر سیما یا تصویر ذهنی از شهر، طرحواره‌ای ارزش‌گذاری شده در ذهن فرد از منظر شهر می‌باشد. عوامل متعدد فیزیولوژیکی، فردی، اجتماعی، اعتقادی، ارزشی و غیره در ایجاد سیما یا تصویر ذهنی نقش مهمی ایفا می‌کند. سیما یا تصویر ذهنی فرد از محیط حاصل دو عامل اصلی است. از طرفی خاطرات، روابط و تجربیات، آرزوها و توقعات که همه به صورت یک مجموعه ادراکی، رابطه بین فرد و "منظر" را زمینه‌سازی کرده و از طرف دیگر اطلاعات ارسال شده سه بعدی از "منظر" که تصویر را شکل می‌دهد (طرحواره‌ها). در این فرآیند انسان اطلاعات دریافتی از محیط را در ذهن منظم کرده (شناخت محیط) و علاوه بر اجزای محیط، نظم یا رابطه حاکم میان آنان را نیز در ذهن خود به تصویر کشیده و به آن معنا می‌بخشد (درک محیط). این تصویر پایه و اساس هر گونه کنش و واکنش فرد با محیط می‌شود. لازم به ذکر است که سیما یا تصویر ذهنی ایجاد شده، تصور مخاطب از محیط بوده و به همین خاطر الزاما با واقعیت موجود انطباق کامل و دقیق نخواهد داشت.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که آنچه از شهر و فضای شهری در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد یعنی همان سیمای شهر، به شکل یک جریان پویا و زنده در حال تکامل و تصحیح خویش است و تصور فرد از فضای شهری به سان یک نقش‌مایه سیال و پویا در حال تکامل و ارتقا خواهد بود.

بنابراین تصویر ذهنی برای فرد فقط مربوط به زمان حال نبوده بلکه با تصورات ذهنی او از گذشته و آینده ترکیب شده، ایجاد خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده می‌کند.

۳- عناصر تصویر ذهنی

مطالعات انجام گرفته راجع به تصویر ذهنی افراد از شهر خود حاکی از آن است که شهروندان "نقشه ذهنی" شهر یا محله خود را در پنج عنصر و روابط بین آنها خلاصه می‌کنند:

۱. مسیر: "مسیر" عنصری ذهنی است که شهروند از شبکه حرکتی و ترددی شهر خود دارد. عنصر فوق الذکر بازایی از نظام ارتباطی شهر به حساب می‌آید که توسط

شهروندان تجربه می‌گردد. به همین خاطر "مسیرها" شاخص‌ترین و مهم‌ترین عناصر در تصویر ذهنی شهروندان هستند.

۲. گره: عنصری است که در ذهن انسان از تلاقی، تمرکز یا تراکم، یک سری از مظاهر، رویدادها، عملکردها یا معانی در یک نقطه، نقش می‌بندد.

۳. لبه: تصویری خطی در ذهن شهروند است، که به صورت "مرز" بین دو حوزه یا "خط متصل کننده" آنها جلوه می‌کند. به همین دلیل "لبه" با "مسیر" تفاوت دارد. به قول لینچ، لبه‌ها عناصری هستند که یک حوزه را از حوزه دیگر جدا کرده و بر آن حدی می‌نهند و یا می‌توانند خط اصلی باشند که دو حوزه را به یکدیگر می‌دوزند.

۴. نشانه: نقاط عطف ذهنی در سیمای شهر می‌باشد که توسط ظاهر، عملکرد یا معنای یک پدیده در شهر به وجود آمده و به عنوان نقاط مبنا در جهت یابی استفاده می‌شوند.

۵. حوزه: منظور از حوزه، تصویری است که شهروند از ظاهر، عملکرد یا معنای یک مجموعه فضایی در ذهن خود ایجاد کرده و دارای ویژگی مختص به خود می‌باشد. بدین ترتیب حوزه نه فقط "محل" به معنای متداول آن، بلکه مجموعه‌هایی چون بازار، منطقه صنعتی، پادگان، فرودگاه، مستحذات، راه آهن و ... را نیز شامل می‌شود. لازم به ذکر است که اگرچه پنج عنصر مذکور ناظر به ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی فضای شهری هستند، اما آنچه معنی بخش تصویر ذهنی شهر در ذهن مخاطب است، کیفیت حضور انسان و تعامل و فعالیت اجتماعی در ارتباط با عناصر مذکور می‌باشد.

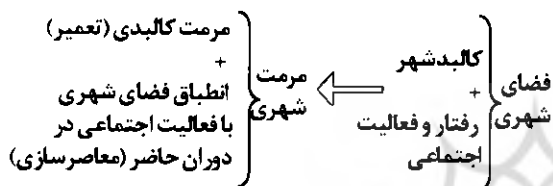
۴- مرمت شهری

مرمت شهری یعنی دخالت آگاهانه در فضای شهری به منظور جلوگیری از فرسایش اثر و سعی در معاصرسازی آن^{۱۳}.

بنا بر این تعریف مرمت شهری تنها در مجموعه عواملی که سعی در حفظ و بهبود وضعیت کالبدی شهر دارند- تعمیر اثر- خلاصه نمی‌شود، بلکه آنچه حائز اهمیت و توجه است به روز نگه داشتن فضای شهری و انطباق آن با رفتار و فعالیت اجتماعی شهروندان در دوران حاضر

= معاصرسازی اثر- است.

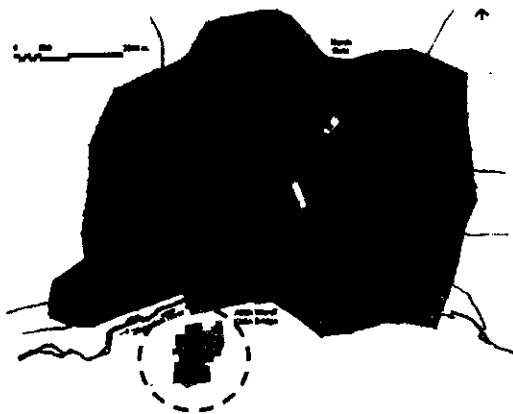
معاصرسازی فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و رفتاری) منجر می‌شود. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن حفظ شباهت‌های اساسی با فضای پیشین، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با توجه به شرایط زمانی و مکانی با فضای پیشین به نمایش می‌گذارد. بی شک زمانی می‌توان به بقای یک اثر در عرصه شهر امید داشت که آن اثر بتواند به سان گذشته بستر شکل‌گیری و رشد فعالیت‌ها و تعامل اجتماعی مردم جامعه خود در زمان مربوط به خود باشد.



تصویر: لندن، احیا و مرمت شهری در خیابان آکسفورد

تجربه جلفا

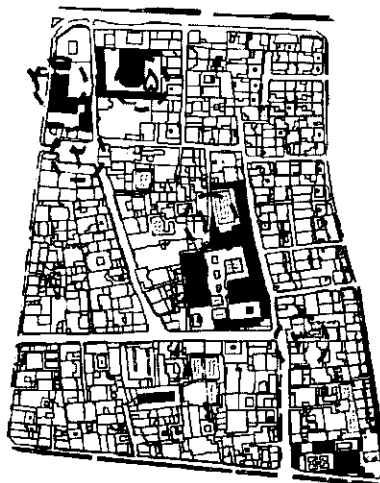
هنگامی که در سال ۱۰۰۰ هـ ق اصفهان پایتخت ایران شد، توسعه شهر اصفهان به سمت جنوب سرعت گرفت. در همین زمان آرامنه از شهر جلفا به اصفهان



در جمع‌بندی کلی، هدف اصلی در مرمت شهری بازگرداندن حیات اجتماعی به بافت تاریخی و حفظ هویت اصیل و محلی آن است که در راستای تحقق آن سازمان‌نوسازی و بهسازی شهر اصفهان با نگرشی موضعی - موضوعی به مداخله در بافت پرداخته است. بدین ترتیب در سراسر محور ضمن شناسایی عناصر حائز ارزش و تزریق و تغییر کاربری‌ها، اقداماتی ویژه در قالب طرح‌های موضعی در نقاط عطف به مورد اجرا گذارده شده است. عناصر شناسایی شده موجود هم شامل تک عنصر و هم شامل محورهای خاص می‌باشد همچون کوچه چهارسوق (گذر اصلی جلفا)، گذرخواجه عابد شامل دو نهر شایخ و نایج، اولین کلیسای ارمنیان جلفا (کلیسای هاکوپ)، کلیسای بیت‌الرحم، مجلل‌ترین کلیسای جلفا، کلیسای وانک، خانه مارتا پیترز و ...



تصویر ۴: موقعیت جلفای قدیم اصفهان نسبت به شهر صفوی



- تصویر ۵: نشانه‌ها و بناهای شاخص جلفای قدیم
- منبع: نقشه شهری اصفهان
- ۱- کلیسای وانک
 - ۲- میدان جلفا
 - ۳- خانه مارتا پیترز
 - ۴- بیت‌الرحم

مهاجرت کرده و در بخش توسعه یافته جنوبی شهر سکنا گزیدند و شهرک جلفا در حومه شهر اصفهان در زمینی هموار و مسطح احداث شد. با احداث پل الله‌وردی خان بر روی زاینده رود، جلفا ترقی بیشتری کرد و کاروان‌سراهای متعدد و خیابان‌های زیبا در آن احداث شد. در سال ۱۰۴۲ هـ ق جلفا در تقسیمات محلی به دو بخش جدید و قدیم تقسیم شد. در سراسر این دو بخش ۵ کوچه به موازات هم کشیده شد و میدان‌ها و گرمابه‌ها و ... متعدد در آن راسته‌ها ایجاد شد. از سال ۱۱۳۵ هـ ق (در پی حمله افغانه به ایران و کشته شدن آرامنه) این شهرک رو به زوال نهاد. هم اکنون محور اصلی این شهرک توسط سازمان‌نوسازی و بهسازی به عنوان محور تاریخی - فرهنگی - گردشگری معرفی شده است. این محور از خیابان توحید و کوچه نمازخانه مریم شروع شده و به میدان جلفا رسیده، از خیابان حکیم نظامی گذر کرده وارد خیابان خاقانی، و کوچه چهارسوق شده و به محور مادی‌های شایخ و نایج رسیده، داخل کوچه سنگتراش‌ها و تیریزی‌ها می‌شود. این محور به علت عناصر تشکیل دهنده‌اش که حائز ارزش‌های فرهنگی - تاریخی فراوانی است از توان بالقوه جذب گردشگر برخوردار است و در همین راستا سازمان‌نوسازی و بهسازی محور مذکور را با هدف احیاء محله و بازگرداندن حیات اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی آن شناسایی کرده است. اقدامات اصلی در باز زنده‌سازی این محور عبارتند از:

- ۱- بازگرداندن هویت اجتماعی محله از طریق احیاء عناصر تاریخی و تزریق کاربری‌های سازگار و منطبق با نیازهای معاصر جامعه ایجاد ارتباط فضایی مناسب بین عناصر تاریخی در قالب محور، تقویت و بهسازی مسیرها، لبه‌ها، گره‌ها و نشانه‌های محلی و شهری در محور
- ۲- باز زنده‌سازی محلات و گذرهای تاریخی بافت



تصویر ۳: عکس هوایی از جلفای اصفهان محدوده سفید رنگ نشان دهنده جلفا در دوره شاه عباس صفوی، محدوده سیاه رنگ نشان دهنده جلفا در دوران حاضر و محدوده خاکستری رنگ محدوده مورد بررسی در این نگارش را نشان می‌دهد.

در طول محور یاد شده علاوه بر عملکردهای موجود و توان‌های بالقوه سه محدوده اقامتی، فرهنگی و مذهبی تعریف گردیده است. در ابتدا محور (از خیابان توحید شروع شده و مجموعه‌ای از کلیساها را در بخش شرقی جلفای قدیم در بر می‌گیرد) محدوده مذهبی پیشنهاد شده است که شامل شماری از مهم‌ترین کلیساهای اصفهان می‌باشد. در بخش دیگر مجموعه منازل قدیمی به جای مانده از دوره صفوی همچون خانه مارتا پیترز، وجود مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاه هنر اصفهان - پردیس - زمینه ایجاد یک محدوده فرهنگی - آموزشی را فراهم کرده است. (این بخش با توجه به حضور موسسه آموزشی جلفا، آموزشگاه مرکزی، پرورشگاه‌ها و انجمن‌های فرهنگی و خیریه، به خدمات فرهنگی و مردمی اشتغال داشته و دارند و روحیه پیشنهادی با توجه به هدف بازگرداندن روحیه گذشته به بافت و حفظ هویت اصیل و قدیمی، کاملاً منطقی و اصولی است). در همین محور با عبور از خیابان خاقانی و کوچه چهارسوق، سنگ‌تراش‌ها، تبریزی‌ها، مادی‌های معروف شایخ و نایب می‌باشد، وجود سازمان کالبدی سالم و زیبای صفوی زمینه مناسبی برای استراحت سیاحان فراهم می‌آورد. مرکز آموزشی - فرهنگی در میانه گذر اتصال دهنده دو نقطه پذیرایی - گردشگری ابتدا و انتهای مسیر است و توالی کاربری‌ها در وحدت بخشی بین عناصر نقش موثری ایفا می‌کند. در این قسمت کفسازی و بدنه‌سازی و به طور کلی نوسازی بخش‌های خارجی و فضاهای ارتباطی در تقویت ایجاد ساختاری وحدت یافته کمک خواهد کرد. کاربری‌های موجود و پیشنهاد شده در طول محور را می‌توان طبق عناوین زیر یادآور شد:

- عملکردهای موجود عبارتند از: مدرسه دخترانه کاشانیان، مدرسه کاستارانیان، کلیسای نرمس، کلیسای

هوانس، کلیسای مریم، کلیسای اللحم، کلیسای وانک، کلیسای کاتولیک.

- عملکردهای پیشنهاد شده شامل موارد زیر می‌باشند: دو مجموعه اقامتی، مدرسه موسیقی، دو سالن غذاخوری سنتی، قهوه‌خانه سنتی، دانشگاه هنر - پردیس - اصفهان، انجمن سینماگران، آموزشگاه هنرهای تجسمی، احیای میدان جلفا، نمایشگاه و فروشگاه صنایع دستی ارمنه، نمایشگاه آداب و مراسم اقلیت‌ها. در طول محور با معرفی تک بناها، بهسازی و تزریق عملکردهای جدید، اقدام به معاصر سازی شده است و از طرف دیگر با بدنه‌سازی، کف‌سازی و به طور کلی نوسازی فضاهای ارتباطی و کانون‌های بین راهی، وحدت بخشی فضاهای ارتباطی و کانون‌های بین راهی، وحدت بخشی فضایی عناصر پراکنده مجموعه مدنظر بوده است. اما آن چه از طرح فرادست شهر (طرح تفصیلی) در مرمت محور تاثیرگذار بوده است، توسعه درونی شهر است که به دنبال آن جمعیت به داخل محلات موجود بازگشته و از خالی شدن بافت از سکنه و زوال حیات اجتماعی محله جلوگیری خواهد کرد.

آنچه در این نگارش کانون توجه قرار گرفته است تاثیر اقدامات انجام شده طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ در ارتقا و بهبود تصویر ذهنی است که در ذهن ناظر از این محور تاریخی و فرهنگی شکل گرفته است. ادامه نگارش به صورت مقایسه پایاپای از دیدها و مناظر مشابه شهری طی سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ شمسی از محله جلفا - جلفای قدیم - ارائه می‌شود. آنچه حائز اهمیت است تاثیر این ساماندهی‌ها و مرمت‌ها در محیط به منظور حضور مجدد انسان و تقویت ریشه فعالیت‌های مردمی و اجتماعی در عرصه فضای شهری و محل می‌باشد.



۱۳۸۶: تفکیک مسیر سواره و پیاده و تقدم دسترسی پیاده، بهسازی مسیر و لبه

۱۳۸۲: تداخل حرکت سواره و پیاده و تهدید پیاده، بی‌نظمی در مسیر



۱۳۸۲: اتومبیل عنصر غالب در فضای میدان جلفا و عامل اصلی اغتشاش در آن و کم رنگ شدن قابلیت‌های میدان به عنوان یک گره فعال و یک نشانه



۱۳۸۶: حذف ترافیک و حرکت سواره از میدان جلفا، اولویت به دسترسی پیاده و دسترسی دو چرخه، آماده سازی فضا برای تعامل اجتماعی اهالی در میدان



۱۳۸۶: ساماندهی رفتارها در محیط در پی ساماندهی کالبدی بدنه شهری / ۱۳۸۲: مبهم بودن مسیرها و عرصه‌ها در فضای شهر، ضعف در تعریف ارتقا و بهبود تصویر ذهنی شهر در نزد مخاطب و ناظر



۱۳۸۲: مبهم بودن و کم رنگی نشانه‌های محیط و عناصر محیط



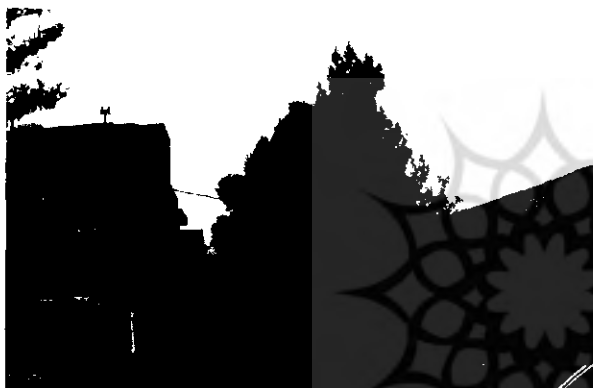
۱۳۸۶: ساماندهی ترافیکی معابر، تقویت و بهبود عناصر مسیر



۱۳۸۲: بی نظمی و اغتشاش کالبدی، حرکتی و رفتاری در محیط جاذبه تاریخی و فرهنگی جلفا را به شدت تحت تاثیر منفی خود قرار داده است.



۱۳۸۶: دگرگونی تصویر ذهنی شهر و معبر بعد از مرمت و احیا گذر و تعریف و تقویت قابلیت های مثبت رفتاری و اجتماعی فضای شهری



۱۳۸۲: بی نظمی مهم ترین عامل ضعف معنایی و خوانایی محیط بوده است.



۱۳۸۶: نظم کالبدی و حرکتی در گذر منتهی به کلیسا تاثیر به سزایی در افزایش خوانایی و خاطره انگیزی محیط و مسیر فضای شهری داشته است. کفسازی و بدنه ها زیبایی معنایی و محتوایی محیط را به شدت تحت تاثیر قرار داده اند.



استفاده از مجسمه و نمادهای عقیدتی آرامنه در فضای شهری باعث افزایش معنای محیط و تقویت ویژگی های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن گردیده است. در مقایسه دو تصویر تاثیر استفاده از مبلمان شهری و عناصر مرتبط با آرامنه در فضای شهری در شکل دهی به معنا و هویت فضای شهری، مشهود و ملموس است.





احیا کاربری‌ها و تزریق کاربری‌های مرتبط با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی معاصر محله جلفا می‌تواند مرمت فیزیکی و کالبدی محله را بهانه‌ای برای حضور موثر مجدد اهالی و آرامنه در عرصه شهر و فضای شهری قرار دهد. هنگامی می‌توان به حیات یک اثر یا یک فضا در عرصه شهر امید داشت که آن اثر منطبق با شرایط اجتماعی و نظام معاصر جامعه خود بتواند به ایفای نقش بپردازد. بدون شک آنچه معنا بخش یک فضای شهری خواهد بود حضور موثر و محسوس اهالی و اعضای جامعه در عرصه آن و تعامل اجتماعی آنها در آن فضا خواهد بود.



۱۳۸۲: میدان جلفا، فاصله گرفتن میدان از پیشینه تاریخی و فرهنگی خود. فضای شهری با حضور غالب سواره پذیرای اغتشاش و بی‌نظمی شهر خواهد بود. تعریف عرصه میدان نسبت به شهر و معبر مبهم و نامفهوم می‌باشد.



۱۳۸۶: میدان جلفا، ساماندهی محیط و فضای شهری. حرکت و تغییر چهره به سوی یک فضای انسان محور و شهروند گرا! تنها استفاده از چند گلدان شهری در تعریف بدنه میدان و منع ورود اتومبیل به آن تاثیر به سزایی در تغییر چهره میدان به سمت یک فضای انسان محور داشته است.

بی نوشت ها:

۱ - urban space

۲ - (کریر، ۱۹۳۸)

۳ - image of the city

۴ - لینچ، ۱۳۷۲

۵ - Environmental perception

۶ - (بحرینی، ۱۳۸۲)

۷ - path

۸ - node

۹ - edge

۱۰ - land mark

۱۱ - district

۱۲ - regeneration

۱۳ - حناچی، ۱۳۸۶

منابع

۱. تیبالدز، فرانسیس، شهرهای انسان محور، بهیود محیط عمومی شهرهای کوچک و بزرگ، ترجمه حسنعلی لقابی و فیروزه جدلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۲. حبیبی، سید حسین، تحلیل فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۴.
۳. کریر، راب، فضاهای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد اصفهان: نشر خاک، ۱۳۸۳.
۴. لنگ، جان، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۵. لینچ، کوین، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

منابع برای مطالعه بیشتر دانشجویان:

۶. مجموعه مقالات مجله آبادی، سال ۱۵، شماره ۴۹، شماره ویژه تجارب طراحی شهری در بافت‌های تاریخی
۷. مجموعه مقالات مجله آبادی، سال ۱۷، شماره ۵۶، شماره ویژه طراحی شهری در ایران
۸. مجموعه مقالات مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۱ و ۳۰
۹. سلطان زاده، حسین، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۸۵

